

آمریکا روسیه را وادار به شکست کرد



جورج فریدمن
استراتژیست

نیویورک تایمز اخیراً گزارش مفصل و معنی داری را منتشر کرد که نیازمند تفسیر بیشتری است. نویسنده آن، آدام انتوس، گزارشگر تحقیقی تایمز است و ادعا می کند با منابع بسیاری در کشورهای مختلف گفت و گو کرده که عمق مشارکت واشنگتن در جنگ اوکراین را افشا می کند و به این سوال که چرا روسیه نمی تواند در جنگ پیروز شود، پاسخ می دهد. انتوس قاعدتاً با افراد عالی رتبه ای که دسترسی به اطلاعات محرمانه دارند گفت و گو کرده تا بتواند چنین اطلاعاتی را کسب کند. این گزارش در نیویورک تایمز منتشر شده؛ چون تنها روزنامه ای است که روس ها قطعاً آن را می خوانند. متن آن به سرعت به روسی ترجمه و در روزنامه روسی منتشر شده است. در نهایت جزئیات آن بازتعریفی از این جنگ را ارائه می دهد.

در این گزارش مصداق های بسیاری برای انتخاب وجود دارد. یک بخش از این گزارش می توضیح می دهد که آمریکا ماموران اطلاعاتی خود را از طریق یک پایگاه آمریکایی در آلمان برای ارتش اوکراین فرستاد تا موقعیت و حملات روس ها را شناسایی کنند. بخش دیگر به جزئیات این موضوع می پردازد که چرا برخی از حملات روسیه شکست خوردند و چرا مجبور شد تا حمله به کی یف را متوقف کند.

با این حال، قلب این گزارش به تسلیحات آمریکا می پردازد. به جای افشای دوباره فناوری های جدید ساختار شکن، انتوس سبک و سیاقی را توضیح می دهد که چگونه این سیستم ها با کنترل شدید آمریکایی ها برای مبارزه مورد استفاده قرار می گرفتند تا اگر روس ها شکست نخوردند حداقل متوقف شوند. مهم ترین سلاح مورد استفاده سیستم ماهواره ای بسیار پیشرفته ای بود که می توانست حضور واحدهای نظامی روسی نسبتاً کوچک را شناسایی کند. آمریکا سیستم های موشکی کوتاه برد هیمارس را برای اوکراین فرستاد که به نوعی می تواند داده های ماهواره ای را دانلود کند. طبق این گزارش، مقامات ارشد آمریکایی، کانادایی و بریتانیایی مشاوره های راهبردی خود را فراهم کردند و با فرماندهان عالی رتبه اوکراین هماهنگ بودند. افسران عالی رتبه آمریکایی نیز بر عملیات زمینی نظارت می کردند و کنترل عملی سلاح ها را بر عهده داشتند. مهم تر از همه، این سلاح ها در سطح فرماندهی مورد استفاده قرار می گرفتند.

اطلاعات محرمانه در اختیار آمریکایی ها قرار می گرفتند که بر ارتباط داده های ماهواره ای نظارت می کردند و اطلاعات اهداف مورد نظر را در اختیار اوکراین قرار می دادند. سربازان اوکراینی بدون حضور یک افسر آمریکایی که کار ویژه ای را داخل سیستم هیمارس قرار دهد، نمی توانستند حتی یک موشک را هم شلیک کنند. با وجود دقت و قابلیت ماهواره ها، این راکت ها در اوایل جنگ برای مقابله با حملات روسیه به کی یف نقش حیاتی داشتند. با نظر گرفتن این امر و همچنین شکست های لجستیکی فراگیر روس ها، راحت تر می توان متوجه شد که چرا ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه مجبور شد ادعا کند که او فقط کنترل بخش کوچکی از اوکراین را می خواست.

با این حال، تکان دهنده ترین افشای در این گزارش این نبود که روس ها در جنگ شکست خوردند یا اینکه آمریکایی ها کمک های نظامی عظیمی را فراهم کردند یا اینکه هیمارس سامانه موشکی بسیار قدرتمندی است؛ این بود که ماهواره ها به چنین سطحی از دقت و پیشرفت رسیده اند که در جنگ های نظامی مورد استفاده قرار می گیرند. آنها به طور مثال می توانند با دوربین های خود تشکیلات نظامی کوچک را شناسایی و آنقدر دقیق سیگنال های آنها را به تسلیحات خود ارسال کنند که زمان درگیری به مسئله ای تاکتیکی تبدیل شود، نه استراتژیک. مسکو به وضوح از تسلیحات و آسیب پذیری آنها آگاهی داشت که این سوال را ایجاد می کند که چرا به جنگ ادامه داد. تنها توضیح برای این امر این است که پوتین امیدوار بود جویابین، که برنامه های جنگی آمریکا را تنظیم کرد، در انتخابات می یازد و دونالد ترامپ این عملیات را متوقف می کند. او مطمئن بود که ترامپ بیشتر از خود پوتین صلح می خواهد. پاسخ ترامپ هم این بود که این گزارش منتشر شود؛ گزارشش این چنینی که شامل اطلاعات به شدت محرمانه ای است که نویسنده آن از نظر قانونی تنها زمانی می تواند آن را منتشر کند که نیاید آن را گرفته باشد. انتشار آن به سرعت و در سخت ترین دوران مذاکرات بسیار تاثیر گذار است.

نگاه
تحلیلی

تزلزل استراتژیک پکن و مانورهای نظامی

مانورهای نظامی چین در اطراف تایوان با هدف جلب توجه غرب انجام می شود



کامران بخاری
استاد امنیت بین الملل
دانشگاه اوتاوا

تلاش های چین برای مدیریت رکود اقتصادی و جلوگیری از تبدیل آن به یک بحران سیاسی به یک مانع بزرگ برخورد کرده است و این مانع چیزی نیست جز تغییر در سیاست خارجی ایالات متحده. سال ها بود که پکن به دنبال اهرم فشاری در مذاکرات با واشنگتن بود و اعتقاد داشت که روابط بهتر با واشنگتن کلید تثبیت اقتصاد



آرمین منتظری
دبیر گروه بین الملل و
دیپلماسی

مذاکرات بین ایالات متحده و روسیه بر سر برقراری صلح در اوکراین ادامه دارد اما به نظر می رسد که چشم انداز واضح و روشنی برای رسیدن به نتیجه نهایی وجود ندارد؛ هر چند طرفین در این مذاکرات پیشرفت های محدودی صورت داده اند اما اختلافات اساسی همچنان باقیست و از شواهد امر اینطور می توان استنباط کرد که طرفین بیشتر به سمت توافقی برای آتش بس مدیریت شده پیش می روند تا برقراری صلح پایدار.

به عنوان مثال، در تاریخ ۲۵ مارس، توافقی اولیه برای توقف درگیری ها در دریای سیاه، با هدف تضمین روند امن کشتیرانی و جلوگیری از استفاده از کشتی های تجاری برای مقاصد نظامی، حاصل شد. این توافق به نفع روسیه بود، زیرا روسیه دیگر ناوگان فعالی در دریای سیاه ندارد و اکنون صرفاً برای حملات هیبریدی به این منطقه متکی است اما اوکراین همچنان از این منطقه برای عملیات تهاجمی استفاده می کند. بنابراین توافق آتش بس در دریای سیاه بیشتر به ضرر اوکراین است تا روسیه اما جالب است که بدینمان تنها یک روز بعد، روسیه شرایط جدیدی را برای اجرای این توافق اعلام کرد؛ شرایطی نظیر لغو تحریم ها بر صادرات محصولات کشاورزی روسیه و اتصال مجدد مؤسسات مالی روسیه به سیستم پرداخت سوئیفت. طبیعتاً این خواسته های اضافی، اجرای آتش بس را پیچیده کرده است. به دنبال این تحولات، برخی کشورهای اروپایی دو تصمیم مهم اتخاذ کردند: اول، محدود کردن بحث در مورد استقرار نیرو و تجهیزات نظامی در کشورهای عضو ناتو هم مرز با اوکراین و دوم، انتصاب نخست وزیر انگلیس و رئیس جمهور فرانسه به عنوان نمایندگان اروپا در مذاکرات. این تحرکات نشان می دهد که اروپا نه تنها از اوکراین حمایت می کند، بلکه به نظر می رسد در تماس نزدیک با ایالات متحده است و به همین دلیل، تلاش می کند رویکردی فراتر از اتانلیتیک اتخاذ کند.

در آن سو، روسیه نیز در تاریخ ۲۷ مارس با اعلام آمادگی برای «دفاع از منافع خود در قطب شمال»، روند مذاکرات را پیچیده کرده است. این موضع روسیه هم زمان با برگزاری کنفرانس بزرگی در مورمانسک درباره مسائل قطب شمال و پس از تشکیل دولت جدید گرینلند در ۱۱ مارس و اعلام سفر جی دی ونس، معاون ترامپ به این منطقه اعلام شد. این موضع روسیه می تواند نشان دهنده پیچیدگی هایی در باره پیامدهای گسترده تر رقابت قدرت های بزرگ بر سر قطب شمال در دینامیک های قدرت جهانی باشد. از هر نظر بعید است که این رخدادها تصادفی باشند.

صرف نظر از مذاکره درباره اوکراین، واشنگتن و مسکو بحث هایی نیز در مورد کنترل تسلیحات هسته ای آغاز کردند که تمرکز اصلی آن بر آینده معاهده استراتژیک جدید است که قرار است در سال ۲۰۲۶ منقضی شود. دونالد ترامپ تمایل خود را برای مذاکره درباره یک توافق سه جانبه کنترل تسلیحاتی که شامل چین نیز می شود، ابراز کرده است اما پکن مکرراً از شرکت در چنین روندی خودداری کرده است. بنابراین، مارکو روبیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در ماه فوریه در حاشیه مذاکرات ریاض برای ایجاد زمینه جهت توافقات دوجانبه بالقوه دیدار کردند. هر دو طرف به اهمیت کاهش خطرات هسته ای اذعان کردند و اقداماتی را برای محدود کردن سلاح های هسته ای تاکتیکی و گسترش شفافیت در زرادخانه های استراتژیک در نظر گرفتند. در مذاکرات بعدی، روسیه پیشنهاد کرد که مکانیسم های راستی آزمایی معاهده استراتژیک جدید حفظ شود و در عین حال کاهش بیشتر در تعداد کلاهک های مستقر شده را مورد بررسی قرار دهند. با این حال، مذاکره کنندگان آمریکایی تأکید کردند که هر معاهده جدیدی باید توانایی های هسته ای تاکتیکی و سلاح های مافوق صوت روسیه را نیز شامل شود. در ضمن، قطب شمال از سال ۲۰۲۳ به مقصد مورد علاقه

این تشدید تنش درست زمانی اتفاق افتاد که دولت ترامپ در حال آماده شدن برای اعلام تعرفه های جدید و گسترده بود که هدف اصلی آن چین بود. در همین حال، وزیر امور خارجه چین، وانگ یی، یک سفر سه روزه به مسکو برای گفت و گوهای سطح بالا داشت. دیدارهای او با سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، حاکی از نگرانی فزاینده پکن در مورد تغییر روابط ایالات متحده و روسیه است.

اگر واشنگتن و مسکو روابط خود را بهبود بخشند، موقعیت مذاکره چین با ایالات متحده می تواند بیشتر تضعیف شود و بحران اقتصادی این کشور را عمیق تر کند. وانگ این برداشت که می گوید روابط نزدیک تر آمریکا و روسیه باعث تیرگی روابط پکن با مسکو می شود را رد کرد و اظهار داشت که چین و روسیه «همیشه دوست بوده اند و هرگز دشمن یکدیگر نخواهند بود». این موضع یادآور مشارکت استراتژیک دو کشور به نام مشارکت «بدون محدودیت» است که طرفین درست قبل از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ اعلام کردند. البته نام این توافق بیشتر برای مصرف غربی بود تا بازتابی از واقعیت. چین برای حمایت از تلاش های جنگی روسیه کمک

داخلی و وضعیت سیاسی است. با این حال، روند دیپلماسی آمریکا و روسیه، استراتژی چین را مختل کرده است. در واکنش به این روند، ششی چین پینگ، رئیس جمهور چین، فعالیت های نظامی، به ویژه در غرب اقیانوس آرام را افزایش داده است؛ این تصمیم رویکردی پرخطر است که پیشرفتی محدود خواهد داشت.

در تاریخ ۳۱ مارس، نیروهای چینی به مدت دو روز تمرینات نظامی برنامه ریزی نشده ای را در اطراف تایوان آغاز کردند. اگرچه چین در گذشته چنین مانورهایی را برگزار کرده اما این بار یک جنگ اطلاعاتی تهاجمی، از جمله ویدئویی که رئیس جمهور تایوان را به عنوان یک انگل به تصویر می کشید، از سوی چینی ها اجرا شد.

نگاه
هم میهن

صرف نظر از مذاکره درباره اوکراین، واشنگتن و مسکو بحث هایی نیز در مورد کنترل تسلیحات هسته ای آغاز کردند که تمرکز اصلی آن بر آینده معاهده استراتژیک جدید است که قرار است در سال ۲۰۲۶ منقضی شود. دونالد ترامپ تمایل خود را برای مذاکره درباره یک توافق سه جانبه کنترل تسلیحاتی که شامل چین نیز می شود، ابراز کرده است اما پکن مکرراً از شرکت در چنین روندی خودداری کرده است. بنابراین، مارکو روبیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در ماه فوریه در حاشیه مذاکرات ریاض برای ایجاد زمینه جهت توافقات دوجانبه بالقوه دیدار کردند. هر دو طرف به اهمیت کاهش خطرات هسته ای اذعان کردند و اقداماتی را برای محدود کردن سلاح های هسته ای تاکتیکی و گسترش شفافیت در زرادخانه های استراتژیک در نظر گرفتند. در مذاکرات بعدی، روسیه پیشنهاد کرد که مکانیسم های راستی آزمایی معاهده استراتژیک جدید حفظ شود و در عین حال کاهش بیشتر در تعداد کلاهک های مستقر شده را مورد بررسی قرار دهند. با این حال، مذاکره کنندگان آمریکایی تأکید کردند که هر معاهده جدیدی باید توانایی های هسته ای تاکتیکی و سلاح های مافوق صوت روسیه را نیز شامل شود. در ضمن، قطب شمال از سال ۲۰۲۳ به مقصد مورد علاقه

روسیه برای آزمایش قابلیت های تسلیحاتی جدید تبدیل شده است. مسکو به ارتقای زیرساخت های قطب شمال، بازگشایی و مدرن سازی پایگاه های دوران اتحاد جماهیر شوروی و همچنین استقرار سامانه های تسلیحاتی پیشرفته و تجهیزات استراتژیک ادامه داده است. روسیه همچنین فرودگاه های خود در قطب شمال را تقویت کرده تا این فرودگاه ها بتوانند در طول سال از عملیات بمب افکن های دور پرواز و سیستم های دفاع هوایی مانند S-۴۰۰ پشتیبانی کنند. علاوه بر اینها، تاسیسات راداری جدید، مانند رادار فراطیفی زنونان S در پایگاه هوایی روگاجیوو و سامانه های راداری Sopka-۲ در جزیره ورائگل و کیپ اشسمیت، قابلیت های نظارتی روسیه را در اعماق آب های قطب شمال و آسمان گسترش می دهند. در حوزه دریایی، ناوگان زیر دریایی های قطب شمال روسیه که قدرت عملیات در زیر یخ را دارند، فعال هستند و با مانورهای مخفیانه در دریای بارتنتز تا نزدیکی اقیانوس آرام، قدرت خود را نمایش داده اند. روسیه همچنین در سال های اخیر توانایی های نظامی خود را در قطب شمال با تمرکز بر سیستم های پیشرفته مافوق صوت و تسلیحات هسته ای تقویت کرده است. یکی از برجسته ترین پیشرفت های روسیه



عکس: Getty Images

ترامپ نمی توان

بعید است دولت آمریکا در مذاکراتش بارو

در این زمینه، استقرار موشک کروز مافوق صوت زیرکون ۳M۲۲ است که می تواند به سرعت ۹ ماخ برسد و اهدافی را تا فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری، مورد اصابت قرار دهد. سرعت و قدرت مانور موشک زیرکون که روی ناوچه های کلاس گورشکوف و زیر دریایی های کلاس M روسیه مستقر شده اند، موجب می شود که رهگیری آنها تقریباً غیرممکن باشد و به این ترتیب روسیه ابزار قدرتمندتری برای به چالش کشیدن حضور دریایی ناتو در قطب شمال به دست می آورد.

یکی دیگر از سلاح های مهم موشک مافوق صوت روسیه، موشک Kinzhal است که از هواپیمای MiG-۳۱K پرتاب می شود و قادر به حمل کلاهک های متعارف و هسته ای با برد ۲۰۰۰ کیلومتر است. سرعت و قدرت مانور آن، این موشک را به گزینه ای قدرتمند برای وارد آوردن ضربه اولیه و یا ضربه تلافی جویانه تبدیل می کند. علاوه بر این، روسیه از در هسته ای Poseidon را ارتقا داده است. این از در برای ایجاد یک سونامی رادیواکتیو که قادر به ویران کردن اهداف ساحلی است، طراحی شده است. پیشرفته تر از این موشک Poseidon است که از زیر دریایی بلگرود پرتاب می شود، رهگیری آن را تقریباً غیرممکن می کند. در کنار این سلاح های جدید،